

## اولویت در تثبیت دستاوردها: تورم\*

مترجم: رشید اصلانی

آیا مبارزه با تورم می‌تواند با پیروزی به پایان برسد؟ یا اگر سوال را به گونه‌ای ملایمتر مطرح کنیم، آیا در افقهای دورتر نشانه‌هایی وجود دارد که زمانی کشورهای صنعتی از نگرانیهای سیاست‌یولی آرامش‌خاطری احساس کنند، و فارغ‌بال مساعی خود را در جهت رشد و فعالیتهای سازنده به‌کار گیرند؟

در پاسخ باید گفت زمینه‌های مساعدی برای خوشبینی وجود دارد. در طی سه سال و نیم گذشته، تلاش جهان توسعه یافته در کنترل تورم به نتایج قابل توجهی انجامیده است.

از افزایش سطح بیکاری، در اثر از دست رفتن برخی مشاغل که بگذریم، نرخ تورم در دهه کشور عمده صنعتی، در طی سه سال اخیر (منتهی به سال ۱۹۸۳)، به نصف تقلیل یافته است. به علاوه دورنمای امسال و سال آینده نیز حکایت از آن دارد که افزایش قیمتها در هر سال بیش از پنج درصد نخواهد بود.

میانگین نرخ تورم در فاصله بین دسامبر ۱۹۸۵ تا دسامبر ۱۹۸۳، در دهه کشور عمده صنعتی از ۱۱/۴ درصد به ۴/۵ درصد کاهش پیدا کرد. و بدین ترتیب دنیای توسعه یافته در اقتصاد خود به یک دوره بهبود<sup>۱</sup> وارد شد که از دهه ۱۹۶۰ تاکنون کمترین نرخ متوسط تورم را به خود دیده است.

به علاوه در ایالات متحد که این بهبود از طریق یک روش سنتی (اگرچه بدون قصد قبلی) افزایش در کسری بودجه، تأمین می‌شد، پیش‌بینی رشد سریع تورم، تاکنون، به واقعیت نپیوسته است. نرخ تورم در ایالات متحد حدود چهار درصد ثابت مانده و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (او.ا.ی. سی.دی)<sup>۲</sup> پیش‌بینی نموده است که تا پایان سال آینده، با یک افزایش ملایم به  $\frac{1}{4}$  درصد برسد.

\* Max Wilkinson. "To consolidate gains made is the priority".  
Financial Times. Sept. 17, 84. P.VII.

1. Recovery

2. Organization for Economic Cooperation and Development

با اینهمه کردهای اقتصادی بران هفت کشور صنعتی، که تابستان امسال در لندن برگزار شد، در برنامه‌های خود برای موضوع محدود ساختن افزایش قیمتها، اهمیت فوق العاده‌ای قائل گردیده بود.

دلیل این امر در گزارش سالانه بانک تسویه حسابهای بین المللی (بانک بانکداران مرکزی) که تابستان امسال در شهر "بال" سوئیس منتشر شد بدین شرح بیان گردیده است:

"تردیدی نیست که از میان همه مشکلات محتمل، قصور در تثبیت موفقیت‌های به دست آمده در مبارزه با تورم، دوام و گسترش این بهبود را شدیداً تهدید می‌کند."

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، در آخرین شماره Economic Outlook این نکته را با تفاوتی جزئی بیان می‌دارد: "امکان جلوگیری از بازخیز تورم در فاصله‌های دورتر نیز وجود دارد... ولی هشدار می‌دهد که: "... این وضع تا زمانی قابل دوام است که رشد پول متعادل نگهداشته شود و میزان بیکاری در سطح بالایی حفظ گردد."

هم چنین اعلام خطر می‌کند، که: "اگر به طور ناگهانی مزدبگیران و بازارهای کارخواهان افزایش مردها باشند امکان کاهش بیشتر در نرخ تورم نیز کاستی می‌گیرد."

اگر چه امروز دورنمای آینده نزدیک به مراتب بهتر از آن چیزی است که در طول سالهای گذشته وجود داشته است، دلایلی نیز وجود دارد که ما را به احتیاط بیشتر در مورد چشم انداز تورم فرا می‌خواند. این دلایل عبارتند از:

۱. وجود نشانه‌هایی دال بر اعتقاد بازارهای مالی و کارگری بسیاری از کشورها، بر این امر که به زودی هتک تورم دوباره رو به افزایش خواهد گذاشت. نرخ بسیار بالای بهره طویل‌مدت (۸ درصد) در ایالات متحد، در تابستان امسال شاید پیش درآمدی برای افزایش تورم باشد؛ و این بدان مفهوم است که برخورد انقلابی مورد انتظار دولت‌ها، در مبارزه با تورم، با کمال مطلوب فاصله بسیار دارد.

۲. احتمال این که افزایش بهره‌وری (Productivity) که همیشه به محدود شدن اثر رشد سنمزدها بر قیمت‌ها منجر می‌شود، با به اوج رسیدن جریان بهبود اقتصادی کمتر شود.

در بسیاری از کشورها بهره‌گیری کامل از بخشی از ظرفیت بلا استفاده تولیدی کشور، وضع موقت خاصی را به وجود می‌آورد که به تولیدکنندگان توانایی لازم را در محدود ساختن افزایش قیمت‌ها می‌بخشد. با وجود این ممکن است این امید نیز وجود داشته باشد که نرخ بهره‌وری به نزدیکی نرخ متوسط بهره‌وری کشورهای صنعتی، یعنی نرخ ۳/۹ درصد، در فاصله بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۳، در مقایسه با نرخ ۱/۷ درصد در دهه ۱۹۷۰، برگردد.

۳. احتمال ثبوت یا افزایش اندک قیمت کالاهای جهانی. بیست و پنج درصد کاهش قیمت کالاها، یک کمک خارجی مؤثر، برای کشورهای توسعه یافته، در کنترل تورم بود. اوایل بهار امسال قیمتها، نسبت به متوسط قیمت در سال ۱۹۸۲، دوازده درصد افزایش نشان می‌دهد، گرچه در تابستان مقداری کاهش پیدا کرده است.

۴. هراس از سرکشی مجدد اتحادیه‌های کارگری برای افزایش دستمزدها، با اطلاع از بهبود وضع و کاهش بیکاری، و این نگرانی اصلی غالب کشورهای توسعه یافته است. شاید ژاپن و تا حدودی آلمان غربی از این نگرانی مستثنی باشند، زیرا در طول سالها مسئله مزد را به تدریج حل کرده‌اند.

در بسیاری از کشورها بویژه ایالات متحد و بریتانیا هنگامی که توان صاحبان کارخانه‌ها در اثر فشار شدید نظام پولی، در افزایش مزدها محدود گردیده، اتحادیه‌های کارگری افزایش بسیار کم و حتی در بعضی موارد، در ایالات متحد، کاهش مزدها را پذیرفته‌اند.

در ایالات متحد، حتی یکسال و نیم پس از آغاز بهبود اقتصادی، افزایش حقوقها بسیار محدود و متعادل بوده است. مذاکرات جمعی کارگران و کارفرمایان، در نیمه اول امسال برای کارگران آمریکایی تنها با متوسط ۲/۶ درصد افزایش مزد در ۱۲ ماه اول و ۲/۸ درصد برای باقی مانده مدت قرارداد همراه بود. مذاکرات بهار امسال، همانند سال ۱۹۸۳، در ژاپن فقط  $\frac{1}{4}$  درصد افزایش حقوق را موجب گردید.

در اروپا، که سابقهای به مراتب متغیرتر وجود داشته، مزدها، به طور کامل "استثنایی در هلند، اطریش و بلژیک ثابت باقی مانده است. در حالی که در فرانسه و ایتالیا، که همواره مزدها بیشترین افزایشها را داشته‌اند، امروزه نشانه‌هایی دال بر کاهش مشهود است.

در بریتانیا که افزایش سالانه حقوق و دستمزد با نرخ  $\frac{3}{4}$  درصد صورت می‌گیرد، نرخ افزایش مزد بر نرخ تورم کامل "پیشی گرفته است و هیچ نوع دلیل و شاهدهی مبنی بر افزایش تورم در سال جاری در دست نیست.

این مشهودات به ایجاد نوعی تفکر انجامیده است که شاید در برخورد با مسئله حقوق و دستمزد، یک تحول اساسی در حال تکوین است. یا صریحاً "بگویم اتحادیه‌های کارگری، درسی را که حرکت تند صد توری سه سال پیش به آنها داد، به خوبی آموخته‌اند.

تغییر در ساختار

پژوهشهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی شواهد معدودی دال بر چنین تغییرات اساسی را

ارائه می‌دهد. معادلاتی که این مؤسسه در سالهای دهه ۱۹۶۰، برای پیش‌بینی تحولات مربوط به مزد، به کار گرفته بود، از سال ۱۹۷۹ به بعد به‌خوبی قابلیت اعمال داشته‌است، اگرچه افزایشهای اخیر مزد در آلمان غربی، فرانسه، کانادا و ژاپن تا حدودی کمتر بوده‌است؛ در صورتی که انتظار این افزایش در الگوهای قدیمتر بیشتر بود.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نتیجه‌گیری می‌کند که ایالات متحد تنها کشوری است که از ۱۹۷۹ تاکنون در آن، شواهدی دال بر تغییر ساختار نظام مزد و حقوق، از طریق مذاکرات جمعی کارگران و کارفرمایان مشاهده می‌شود.

این بدان معنی است، که آهنگ ملایم افزایش مزد عمدتاً، یک واکنش قابل پیش‌بینی در مقابل خدمت رکود بوده‌است؛ و واضح است که افزایش بازده و بهبود اشتغال باعث تشدید تورم در مزد می‌شود.

در دو سال آینده، حرکت آرام بهبود در اروپا و افزایش بیکاری از ۱۷/۸ میلیون نفر در سال ۱۹۸۳ (۱۰/۵ درصد نیروی کار) به  $19\frac{1}{4}$  میلیون نفر در سال ۱۹۸۵ تقاضا برای افزایش مزد را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

در طول‌المدت، تعدیل دستمزدها، به هر ترتیب که حاصل شود، برای کاهش مستمر نرخ تورم، حیاتی خواهد بود. از طرف دیگر هر نوع افزایش قابل توجه در نرخ دستمزدها حکومتها را در تنگنای شدیدی قرار می‌دهد و در این حالت، واکنش سنتی در اغلب کشورها اتخاذ سیاست پولی انقباضی شدید خواهد بود، که نهایتاً "امید به کاهش بیکاری را از بین خواهد برد.

از طرف دیگر بازگشت دوباره، حرکت تورمی در هر کدام از کشورها، قابلیت رقابت (اقتصادی با کشورهای دیگر - م. م.) و بنابراین امکان بهبود اقتصادی را از بین می‌برد. گسترش این وضع، خطر بازگشت رکود سالهای آخر دهه ۱۹۷۰ را به دنبال دارد.

